

تالو حقوق بین الملل اقتصادی بر سه ابزار جنگ تجاری: تأملی بر تقابل چین و آمریکا

نوید زمانه قدیم*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۹

چکیده

جنگ‌های تجاری به‌ویژه در سطح بین‌المللی، به‌عنوان یکی از چالش‌های مهم اقتصادی و سیاسی در روابط کشورها شناخته می‌شوند. در این مقاله، به تحلیل سه ابزار اصلی جنگ تجاری، شامل افزایش تعرفه‌ها، ممنوعیت صادرات فناوری، سیاست‌های حمایتی، با تمرکز بر تقابل اقتصادی چین و آمریکا پرداخته می‌شود. هدف این تحقیق بررسی نحوه تأثیرگذاری اصول و قواعد حقوق بین‌الملل اقتصادی بر این ابزارها و تحلیل چالش‌های حقوقی مرتبط با آنها است. با روش توصیفی-تحلیلی ضمن بررسی اسناد مرتبط با سازمان تجارت جهانی و توافقات دوجانبه نظیر توافقنامه‌های بین‌المللی سرمایه‌گذاری و نیز نقش صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، مقاله به‌ویژه بر رویکردهای حقوقی در مواجهه با این ابزارها متمرکز می‌شود و تلاش دارد تا محدودیت‌ها و فرصت‌های موجود برای حل و فصل اختلافات تجاری از منظر حقوق بین‌الملل اقتصادی را تبیین نماید. در نهایت، مقاله با نگاهی بر جنگ تجاری چین و آمریکا راهکارهایی برای بهبود هماهنگی حقوقی در عرصه تجارت جهانی ارائه می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که اصلاحات نهادی در سازمان تجارت جهانی، ارتقای انسجام میان نهادهای اقتصادی بین‌المللی، و طراحی سازوکارهای شفاف‌تر برای تبیین مرزهای مشروعیت اقدامات حمایتی و امنیتی ضرورت دارد.

کلید واژگان:

جنگ تجاری چین و آمریکا، افزایش تعرفه‌ها، ممنوعیت صادرات فناوری، سیاست‌های حمایتی، حقوق بین‌الملل اقتصادی

* استادیار، دانشکده علوم انسانی، مؤسسه آموزش عالی رشدییه، تبریز، ایران.

navid.zamaneh@roshdiyeh.ac.ir



Copyright: ©2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

جنگ تجاری^۱ به مجموعه‌ای از سیاست‌ها و اقدامات اقتصادی اطلاق می‌شود که با هدف حمایت از صنایع داخلی، اعمال فشار اقتصادی بر کشور مقابل یا تقویت قدرت چانه‌زنی در مذاکرات بین‌المللی انجام می‌گیرد. این اقدامات معمولاً شامل افزایش تعرفه‌ها، اعمال محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای (مانند سهمیه‌بندی واردات و استانداردهای سخت‌گیرانه)، تحریم‌های اقتصادی، و سیاست‌های تلافی‌جویانه می‌شود.^۲ جنگ‌های تجاری اغلب زمانی رخ می‌دهند که کشورها در مسیر توسعه اقتصادی، با رقابت‌های شدید بر سر سهم بازار، فناوری‌های استراتژیک، یا توازن تجاری روبه‌رو می‌شوند. این نوع درگیری‌ها نه تنها پیامدهای اقتصادی مهمی به دنبال دارند، بلکه می‌توانند به بحران‌های ژئوپلیتیکی نیز منجر شوند.^۳

جنگ‌های تجاری ریشه‌ای طولانی در تاریخ اقتصاد بین‌الملل دارند. از دوران باستان، کشورها و امپراتوری‌ها برای کنترل مسیرهای تجاری و اعمال محدودیت بر کالاهای خارجی، سیاست‌های تجاری خاصی اتخاذ می‌کردند. در دوران مدرن، یکی از نخستین نمونه‌های برجسته، جنگ تجاری میان بریتانیا و چین در قرن نوزدهم بود که منجر به جنگ‌های تریاک^۴ شد. در این دوره، بریتانیا برای تأمین تراز تجاری خود در برابر چین، به صادرات گسترده تریاک روی آورد، اما سیاست‌های محدودکننده چین موجب تشدید تنش‌ها و در نهایت جنگ شد. در قرن بیستم، یکی از مهم‌ترین جنگ‌های تجاری، اعمال تعرفه‌های سنگین توسط ایالات متحده در قالب قانون تعرفه اسموت-هاولی^۵ در سال ۱۹۳۰ بود. این قانون که با هدف حمایت از صنایع داخلی آمریکا به تصویب رسید، منجر به افزایش قابل توجه تعرفه‌های وارداتی شد و به‌عنوان یکی از عوامل تشدید رکود بزرگ اقتصادی شناخته می‌شود.^۶ پس از جنگ جهانی دوم و با تشکیل گات و سپس سازمان تجارت جهانی، تلاش‌های زیادی برای کاهش تنش‌های تجاری و تنظیم مقررات جهانی صورت گرفت، اما رقابت‌های اقتصادی میان قدرت‌های بزرگ همچنان ادامه یافت.

1. Trade War.

2. Krugman, P., & Obstfeld, M. **International Economics: Theory and Policy**. Pearson, 2022, p.305.

3. Irwin, D. A. **Clashing Over Commerce: A History of US Trade Policy**. University of Chicago Press, 2017, p.212.

4. Opium Wars.

5. Smoot-Hawley Tariff Act

6. Eichengreen, B. **Golden Fetters: The Gold Standard and the Great Depression, 1919-1939**. Oxford University Press, 1992, p.164.

یکی از برجسته‌ترین جنگ‌های تجاری در دهه‌های اخیر، تنش اقتصادی میان چین و آمریکا است که از سال ۲۰۱۸ آغاز شد. این جنگ تجاری با اعمال تعرفه‌های گسترده از سوی دولت دونالد ترامپ علیه کالاهای وارداتی از چین کلید خورد. ایالات متحده با استناد به ماده ۳۰۱ قانون تجارت^۱ و به بهانه نقض مالکیت فکری و اقدامات ناعادلانه تجاری از سوی چین، تعرفه‌هایی به ارزش صدها میلیارد دلار بر کالاهای چینی اعمال کرد. در مقابل، چین نیز با افزایش تعرفه‌ها بر کالاهای آمریکایی و اتخاذ سیاست‌های حمایتی، به این اقدامات واکنش نشان داد.^۲ این جنگ تجاری نه تنها آثار عمیقی بر اقتصاد دو کشور داشت، بلکه موجب ایجاد تنش در زنجیره تأمین جهانی، کاهش رشد اقتصادی، و افزایش عدم اطمینان در بازارهای بین‌المللی شد. از منظر حقوق بین‌الملل اقتصادی، این تقابل مسائل حقوقی پیچیده‌ای را درباره میزان مشروعیت اقدامات تعرفه‌ای، تعهدات کشورها در چارچوب سازمان تجارت جهانی، و امکان حل‌وفصل اختلافات از طریق مکانیسم‌های حقوقی مطرح کرد. این مقاله در پی آن است که تأثیر اصول و قواعد حقوق بین‌الملل اقتصادی بر سه ابزار اصلی جنگ تجاری (افزایش تعرفه‌ها، ممنوعیت صادرات فناوری، سیاست‌های حمایتی) را بررسی کند. تمرکز ویژه بر جنگ تجاری میان چین و آمریکا است و تلاش دارد تا با تحلیل چالش‌های حقوقی این درگیری، راهکارهایی را در چارچوب نظام تجارت بین‌الملل ارائه دهد. در ادامه، ابتدا مفهوم ابزارهای جنگ تجاری تشریح می‌شود، سپس پیامدهای حقوقی آن در پرتو حقوق بین‌الملل اقتصادی بررسی شده و در نهایت، راهکارهای موجود برای حل‌وفصل این تنش‌ها مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۱. افزایش تعرفه‌ها و وضع تعرفه‌های متقابل: مطالعه موردی ایالات متحده آمریکا و چین
تعرفه‌های تجاری یکی از ابزارهای کلیدی سیاست‌های تجاری کشورها برای حمایت از صنایع داخلی، ایجاد توازن در تراز تجاری، و اعمال فشار اقتصادی بر سایر کشورها محسوب می‌شود. در حقوق بین‌الملل اقتصادی، تعرفه‌ها به‌عنوان مالیات‌های اعمال‌شده بر کالاهای وارداتی تعریف شده‌اند که تأثیر مستقیمی بر قیمت کالاهای خارجی و رقابت‌پذیری آنها در بازار داخلی دارند.^۳ در چارچوب سازمان تجارت جهانی، کشورها موظف به رعایت تعهدات تعرفه‌ای خود بر اساس موافقت‌نامه عمومی تعرفه و

1. Section 301 of the Trade Act.

2. Bown, C. P. *The US-China Trade War and Phase One Agreement*. Peterson Institute for International Economics, 2020, p. 45.

3. Matsushita, M., Schoenbaum, T., Mavroidis, P. C., & Hahn, M. *The World Trade Organization: Law, Practice, and Policy*. Oxford University Press, 2017, p.152.

تجارت هستند که در ماده ۲ این موافقت‌نامه، کشورهای عضو را از افزایش تعرفه‌ها بالاتر از نرخ‌های توافق‌شده منع می‌کند. با این حال، افزایش تعرفه‌ها در موارد خاص تحت شرایط معین قابل توجیه است، از جمله:

- ماده ۱۹ گات که اجازه اعمال «اقدامات حفاظتی»^۱ را در صورت وارد آمدن آسیب جدی به صنایع داخلی می‌دهد.

- ماده ۲۱ گات که به کشورها اجازه می‌دهد در شرایطی که امنیت ملی در خطر است، اقدامات محدودکننده‌ای از جمله افزایش تعرفه‌ها را اتخاذ کنند.

- همچنین از منظر قانون داخلی آمریکا، ماده ۳۰۱ قانون تجارت ایالات متحده که به آمریکا اجازه می‌دهد در صورت تشخیص رفتار تجاری ناعادلانه از سوی یک کشور دیگر، اقدامات تلافی‌جویانه، از جمله افزایش تعرفه‌ها، را اعمال کند.^۲

حقوق بین‌الملل اقتصادی کشورها را به رعایت تعهدات خود در چارچوب سازمان تجارت جهانی و دیگر موافقت‌نامه‌های تجاری ملزم می‌داند. کشورهای عضو سازمان باید طبق اصل ملت کامله الوداد^۳ و اصل تثبیت تعرفه‌ها^۴ عمل نمایند؛ افزایش تعرفه‌ها بدون توجیه قانونی می‌تواند نقض تعهدات بین‌المللی تلقی شده و منجر به طرح شکایت در سازوکار حل اختلاف سازمان تجارت جهانی شود.

جنگ تجاری میان ایالات متحده و چین، که از سال ۲۰۱۸ آغاز شد، نمونه‌ای از استفاده گسترده از ابزار تعرفه برای اعمال فشار اقتصادی و سیاسی است. دولت ترامپ با استناد به ماده ۳۰۱ قانون تجارت آمریکا و ادعای نقض حقوق مالکیت فکری توسط چین، مجموعه‌ای از تعرفه‌های تنبیهی را علیه واردات چینی به ارزش ۲۵۰ میلیارد دلار اعمال کرد.^۵ این اقدام، که شامل افزایش تعرفه بر کالاهای الکترونیکی، فولاد، و قطعات صنعتی بود، واکنش شدید چین را به همراه داشت. پکن نیز به‌عنوان اقدام تلافی‌جویانه، تعرفه‌هایی به ارزش ۱۱۰ میلیارد دلار بر کالاهای وارداتی از آمریکا، به‌ویژه محصولات کشاورزی، اعمال کرد.^۶ این افزایش تعرفه‌ها چالش‌های حقوقی قابل‌توجهی ایجاد کرد، زیرا ایالات متحده بدون ارجاع اولیه به سازوکار حل اختلاف سازمان تجارت جهانی اقدام به اعمال تعرفه کرد که مغایر با تعهدات آن

1. Safeguard Measures.

2. Jackson, J. H. **The World Trading System: Law and Policy of International Economic Relations**. MIT Press, 2000, p.265.

3. Most-Favored Nation Principle.

4. Tariff Binding.

5. Bown, C. P. Op. cit. p.46.

6. Hua, Sh., & Zeng, K. "The US-China Trade War: Economic Statecraft, Multinational Corporations, and Public Opinion". *Business and Politics*, Vol.24, 2022, p. 324.

تحت سند گات تلقی می‌شود. در مقابل، چین نیز با اتخاذ اقدامات متقابل، به نوعی از اصل اقدام متقابل در حقوق بین‌الملل اقتصادی بهره برد که مشروعیت آن همچنان مورد بحث است.^۱ مشروعیت افزایش تعرفه‌ها در حقوق بین‌الملل اقتصادی به میزان انطباق این اقدامات با تعهدات کشورها در چارچوب سازمان تجارت جهانی بستگی دارد. از منظر حقوقی، اقدامات تعرفه‌ای آمریکا به دلایل زیر چالش برانگیز است: اولاً) نقض تعهدات تعرفه‌ای در چارچوب گات: آمریکا تعرفه‌هایی بالاتر از سقف مجاز اعمال کرد که برخلاف ماده ۲ گات است.

ثانیاً) عدم توجیه معتبر تحت استثنائات امنیتی: استناد آمریکا به ماده ۲۱ گات برای توجیه این تعرفه‌ها از سوی بسیاری از کارشناسان^۲ به‌عنوان تفسیر نادرست از مفهوم «امنیت ملی» در تجارت بین‌الملل تلقی شده است.

ثالثاً) عدم رعایت فرآیندهای حل اختلاف سازمان تجارت جهانی: آمریکا به جای طرح شکایت در رکن حل اختلاف سازمان، مستقیماً اقدام به افزایش تعرفه‌ها کرد که با مقررات این سازمان در تضاد است. در مقابل، چین با اعمال تعرفه‌های تلافی‌جویانه، استراتژی «اقدام متقابل متناسب»^۳ را اتخاذ کرد که هرچند در سیاست بین‌الملل رایج است، اما در حقوق بین‌الملل اقتصادی همچنان محل بحث می‌باشد.

۱. اصل اقدام متقابل در حقوق بین‌الملل اقتصادی به اعمالی اطلاق می‌شود که در پاسخ به اقدام مشابه کشور دیگر صورت می‌گیرد. این اقدامات می‌توانند از نظر ماهیت، هدف، و جبران نقض حقوق بین‌الملل مشابه اقدام متقابل باشند، اما این نوع اقدامات ممکن است شرایط مشخص حقوقی و شروط قانونی را رعایت نکنند و بیشتر در راستای تلافی‌جویی و مبادله رفتار مشابه به کار می‌روند. پذیرش مشروعیت "Countermeasure" در حقوق بین‌الملل اقتصادی با چالش‌هایی روبه‌رو است، زیرا: اولاً) کشورهای مختلف ممکن است نگرش‌های متفاوتی به مفاهیم حقوقی داشته باشند. برخی کشورها ممکن است استفاده از این ابزار را در زمینه اقتصادی محدود کنند، زیرا می‌تواند به شدت به روابط تجاری و اقتصادی بین کشورها آسیب وارد کند. ثانیاً) بسیاری از کشورها نگرانند که اجرای اقدامات متقابل ممکن است به بحران‌های اقتصادی یا حتی جنگ‌های تجاری منجر شود. این نگرانی‌ها باعث می‌شود که موافقت با مشروعیت آن به‌طور دقیق‌تر و با رعایت شرایط خاص صورت گیرد. ثالثاً) در بسیاری از موارد، مشخص نیست که آیا نقض حقوق بین‌الملل از سوی کشور ناقض کافی برای اتخاذ اقدام متقابل به‌عنوان "Countermeasure" است یا خیر. کشورهای مختلف ممکن است به دلیل تفاسیر مختلف از حقوق بین‌الملل، شرایط لازم برای استفاده از اقدامات متقابل را درک کنند. برا مطالعه بیشتر رج کنید به:

Stern, R. "The evolution of trade sanctions in international economic law". *Journal of International Economic Law*, Vol.18. No.3, 2015, pp. 561-589.

2. Howse, R., & Eliason, A. "The Legality of US Tariffs under the National Security Exception of GATT Article XXI". *Journal of International Economic Law*, Vol. 22. No.3, 2019, p.215.

3. Proportional Retaliation

برخی کارشناسان^۱ معتقدند که اقدامات چین نیز مغایر با ماده ۲۳ گات است که کشورها را از اقدام یک‌جانبه علیه تخلفات تجاری دیگر کشورها بدون طی روند قانونی منع می‌کند. فلذا افزایش تعرفه‌ها و وضع تعرفه‌های متقابل در جنگ تجاری چین و آمریکا نمونه‌ای از چالش‌های حقوقی در نظام تجارت بین‌الملل است.^۲ اقدامات ایالات متحده از نظر حقوقی به دلیل عدم رعایت مقررات سازمان تجارت جهانی، مشروعیت کافی ندارد. از سوی دیگر، واکنش چین نیز اگرچه مبتنی بر اصل اقدام متقابل بود، اما از لحاظ قانونی با محدودیت‌های گات روبه‌رو است. این درگیری نشان داد که نظام تجارت بین‌الملل برای مدیریت منازعات تجاری میان قدرت‌های بزرگ نیازمند اصلاحات و تقویت سازوکارهای حل اختلاف است.

۲. ممنوعیت صادرات فناوری: محدودیت‌های جدید بر صادرات فناوری‌های هوش مصنوعی و نیمه‌هادی‌ها از سوی آمریکا

ممنوعیت یا محدودیت صادرات فناوری یکی از ابزارهای کنترل تجارت بین‌الملل است که دولت‌ها از آن برای اهداف امنیتی، اقتصادی، یا ژئوپلیتیکی استفاده می‌کنند. در حقوق بین‌الملل اقتصادی، صادرات فناوری‌های پیشرفته (مانند نیمه‌هادی‌ها و هوش مصنوعی) تحت قواعد کلی تجارت بین‌الملل، به‌ویژه مقررات سازمان تجارت جهانی و موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت، قرار دارد. مطابق ماده ۱۱ گات، کشورها به‌طور کلی از اعمال ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های کمی^۳ بر صادرات منع شده‌اند، مگر در شرایط

1. Van den Bossche, P., & Zdouc, W. *The Law and Policy of the World Trade Organization*. Cambridge University Press, 2021, p.409.

۲. شایان ذکر است در ماه آوریل ۲۰۲۵، دعوی مهمی در محکمه فدرال تجارت بین‌الملل ایالات متحده علیه سیاست‌های تعرفه‌ای دولت ترامپ مطرح شد. در این دعوا، شرکت‌های کوچک آمریکایی از جمله V.O.S. Selections، با حمایت مرکز عدالت آزادی (Liberty Justice Center)، مدعی شدند که رئیس‌جمهور ترامپ با استفاده از قانون قدرت‌های اقتصادی اضطراری بین‌المللی (IEEPA) برای وضع تعرفه‌های گسترده، از اختیارات خود فراتر رفته است. این قانون معمولاً برای تحریم‌های اقتصادی در مواقع اضطراری استفاده می‌شود و تاکنون برای وضع تعرفه‌های تجاری به‌کار نرفته بود. خواهان‌ها استدلال کردند که کسری تجاری مژمن، که به‌عنوان دلیل وضع تعرفه‌ها ذکر شده، نه یک تهدید غیرعادی و فوق‌العاده است و نه شرایطی اضطراری را ایجاد می‌کند که استفاده از IEEPA را توجیه کند. آن‌ها همچنین به اصل «عدم تفویض» (nondelegation doctrine) اشاره کردند و اظهار داشتند که اعطای چنین اختیارات گسترده‌ای به رئیس‌جمهور بدون هدایت‌های مشخص از سوی کنگره، مغایر با اصول قانون اساسی است. این پرونده، که با عنوان V.O.S. Selections, Inc. v. Trump در دادگاه فدرال تجارت بین‌الملل ایالات متحده در حال رسیدگی است، می‌تواند به‌عنوان یک آزمون مهم برای محدودیت‌های اختیارات اجرایی در سیاست‌های تجاری و اقتصادی تلقی شود. جلسه دادرسی برای بررسی درخواست دستور موقت در تاریخ ۱۳ مه ۲۰۲۵ برگزار خواهد شد.

<https://libertyjusticecenter.org/cases/v-o-s-selections-inc-v-trump/>

3. Quantitative Restrictions.

استثنایی که در ماده ۲۱ گات (استثنائات امنیتی) و ماده ۲۰ (استثنائات عمومی) آمده است. دولت‌ها در چارچوب موافقت‌نامه‌های بین‌المللی موظف به رعایت اصل آزادی تجارت و عدم اعمال محدودیت‌های غیرموجه بر صادرات هستند. دو اصل کلیدی که پیشتر اشاره شد در این زمینه نیز قابل اعمال هستند که عبارتند از: اول) اصل ملت کامله الوداد؛ کشورها نمی‌توانند صادرات فناوری را علیه یک کشور خاص محدود کرده و هم‌زمان برای دیگر کشورها آزاد بگذارند. دوم) اصل جلوگیری از محدودیت‌های کمی؛ ممنوعیت کامل صادرات، مگر در شرایط استثنایی، ناقض این ماده محسوب می‌شود. با این حال، ماده ۲۱ گات اجازه می‌دهد که کشورها در شرایطی که امنیت ملی در خطر است، اقدامات محدودکننده‌ای از جمله ممنوعیت صادرات فناوری را اعمال کنند.

شایان ذکر است علاوه بر مقررات سازمان تجارت جهانی برخی از اسناد بین‌المللی نیز راجع به ممنوعیت صادرات فناوری مقررهای در نظر گرفته‌اند.^۱ که از میان آنها می‌توان به توافقات دوجانبه و منطقه‌ای درباره محدودیت‌های صادرات فناوری اشاره کرد. قانون کنترل صادرات ایالات متحده،^۲ آمریکا را قادر می‌سازد تا فناوری‌های نوظهور مانند هوش مصنوعی، بیوتکنولوژی و نیمه‌هادی‌ها را تحت کنترل شدید قرار دهد. واشنگتن از این قانون برای اعمال ممنوعیت صادرات فناوری به چین استفاده کرده است.^۳ ایالات متحده در سال‌های اخیر مجموعه‌ای از محدودیت‌ها را بر صادرات فناوری‌های پیشرفته به‌ویژه در حوزه نیمه‌هادی‌ها و هوش مصنوعی اعمال کرده است. این محدودیت‌ها که در دوران ریاست

۱. الف) معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT - 1968): این معاهده صادرات فناوری‌های حساس هسته‌ای را به کشورهای که سلاح هسته‌ای ندارند، محدود می‌کند. کشورهای دارای فناوری هسته‌ای موظف به عدم انتقال دانش و تجهیزات مرتبط به کشورهای غیرهسته‌ای هستند، مگر اینکه تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باشد. ممنوعیت صادرات برخی فناوری‌های دوگانه (Dual-Use) در این چارچوب قرار می‌گیرد. ب) معاهده تجارت تسلیحات (ATT - 2013): این معاهده صادرات فناوری‌های پیشرفته‌ای که در تولید سلاح‌های متعارف کاربرد دارند را محدود می‌کند. بر اساس این معاهده، کشورها نباید فناوری‌های حساس را به دولت‌هایی که احتمال دارد از آنها برای نقض حقوق بشر استفاده کنند، صادر نمایند. ج) رژیم کنترل فناوری موشکی (MTCR - 1987): هدف اصلی این رژیم جلوگیری از صادرات فناوری‌های مرتبط با توسعه موشک‌های بالستیک و سامانه‌های حمل سلاح‌های کشتار جمعی است که محدودیت‌هایی بر صادرات نرم‌افزارها و تجهیزات مرتبط با تولید موشک‌ها اعمال می‌کند. د) گروه استرالیا (Australia Group - 1985): اعضای این گروه موظف‌اند صادرات برخی فناوری‌های پیشرفته مانند تجهیزات مهندسی ژنتیک را محدود کنند. ه) رژیم واسنا (1996 Wassenaar Arrangement): شامل مقرراتی درباره کنترل صادرات فناوری‌های حساس از جمله هوش مصنوعی، نیمه‌هادی‌ها و فناوری‌های سایبری است. کشورهای عضو موظف‌اند هنگام صادرات این فناوری‌ها، ملاحظات امنیتی و حقوق بشری را در نظر بگیرند.

2. Export Control Reform Act - ECRA 2018

3. Chukwuma, N. & Ngoc, L. & Mativenga, P. "The US-China trade war: interrogating globalisation of technology". *Cogent Social Sciences*. Vol. 10. No. 2, 2024, p. 3.

جمهوری جو بایدن تشدید شد، بخشی از راهبرد گسترده‌تر آمریکا برای مهار پیشرفت فناوری چین محسوب می‌شود. مهم‌ترین اقدامات آمریکا در این زمینه عبارتند از:

در اکتبر ۲۰۲۲، وزارت بازرگانی ایالات متحده قوانینی را تصویب کرد که صادرات نیمه‌هادی‌های پیشرفته و تجهیزات تولید آنها را به چین محدود می‌کند. این مقررات شرکت‌های آمریکایی مانند AMD و NVidia را از فروش پردازنده‌های گرافیکی پیشرفته (GPU) که برای توسعه هوش مصنوعی ضروری هستند، منع کرد. در اکتبر ۲۰۲۳، این محدودیت‌ها با افزودن ۱۳ شرکت دیگر چینی به «لیست نهادها» گسترش یافت، به طوری که نه تنها شرکت‌های آمریکایی، بلکه هر شرکت خارجی که از فناوری آمریکایی استفاده می‌کند، ملزم به دریافت مجوز ویژه برای صادرات این محصولات به چین شد.^۱ آمریکا همچنین با همکاری کشورهای متحد مانند هلند و ژاپن، محدودیت‌هایی را بر صادرات تجهیزات لیتوگرافی پیشرفته^۲ که برای تولید نیمه‌هادی‌های مدرن استفاده می‌شود، وضع کرده است.^۳

مطابق توافق امنیتی سه‌جانبه آمریکا، بریتانیا و استرالیا^۴ کشورهای امضاکننده باید صادرات فناوری‌های خاص را به کشورهای غیرعضو محدود کنند یکی از اهداف این توافق، محدودیت در اشتراک‌گذاری فناوری‌های پیشرفته نظامی و هسته‌ای است.^۵ اتحادیه اروپا در سال‌های اخیر تحریم‌های گسترده‌ای بر صادرات فناوری‌های پیشرفته به چین و روسیه اعمال کرده است. این تحریم‌ها شامل ممنوعیت فروش نیمه‌هادی‌های پیشرفته، تجهیزات مخابراتی و فناوری‌های نظارت دیجیتال است.

با توجه به آنچه که گفته شد محدودیت‌های صادراتی آمریکا علیه چین از دو جنبه حقوقی قابل بررسی است. اول اینکه، آمریکا ادعا می‌کند که این ممنوعیت‌ها بر اساس ماده ۲۱ گات، که به کشورها اجازه می‌دهد تجارت را در صورت تهدید امنیت ملی محدود کنند، مشروع است. با این حال، این استدلال از نظر حقوقی چالش‌برانگیز است زیرا ماده ۲۱ گات باید به‌عنوان یک استثناء، تفسیر محدود داشته باشد، درحالی‌که آمریکا آن را به‌طور گسترده برای توجیه هر نوع محدودیت فناوری به کار می‌برد. رکن حل

1. <https://www.csis.org/analysis/where-chips-fall-us-export-controls-under-biden-administration-2022-2024>.

برای مطالعه بیشتر رج کنید به:

Puślecki, Z. "The new protectionism between the USA and China and international trade policy amid worldwide geopolitical turbulence". *Ekonomista*. Issue. 2, 2023, p. 125-151.

2. EUV Lithography Machines.

3. Solingen, E. **Geopolitics, Supply Chains, and International Relations in East Asia**. Cambridge University Press, 2021, p.65.

4. AUKUS – 2021.

5. Medcalf, R. **Indo-Pacific Empire: China, America and the Contest for the World's Pivotal Region**. La Trobe University Press, 2022, p.65.

اختلاف سازمان تجارت جهانی در پرونده‌ای مشابه^۱ اعلام کرده است که کشورها نمی‌توانند بدون دلیل معتبر به ماده ۲۱ استناد کنند و باید نشان دهند که تهدید امنیتی «واقعی و فوری» وجود دارد.^۲ دوم اینکه، برخی از کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی معتقدند که آمریکا با محدود کردن صادرات فناوری به چین و نه سایر کشورها، اصل ملت کامله الوداد را نقض کرده است علاوه بر این، این اقدامات به نوعی محدودیت کمی بر صادرات محسوب می‌شود که طبق ماده ۱۱ گات غیرقانونی است. ممنوعیت‌های آمریکا بر صادرات فناوری می‌تواند به فرسایش رژیم حقوقی تجارت بین‌الملل منجر شود، زیرا اگر سایر کشورها نیز از همین استدلال برای محدودیت‌های تجاری استفاده کنند، نظام تجارت آزاد دچار تضعیف خواهد شد. تصمیم‌گیری در مورد مشروعیت یا عدم مشروعیت این اقدامات در آینده ممکن است از طریق سازوکار حل اختلاف سازمان مورد بررسی قرار گیرد.

۳. سیاست‌های حمایتی: کنترل سرمایه و محدودیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی

سیاست‌های حمایتی، به‌ویژه در قالب کنترل سرمایه و محدودیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی، به‌عنوان ابزاری مهم برای حفظ ثبات اقتصادی و امنیت ملی در حقوق بین‌الملل اقتصادی شناخته می‌شوند. با رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و پیچیده‌تر شدن روابط اقتصادی، کشورها بیش از پیش به ابزارهای قانونی و مقرراتی برای تنظیم ورود و خروج سرمایه متوسل شده‌اند.

کنترل سرمایه به اقدامات قانونی اطلاق می‌شود که برای محدود کردن جریان سرمایه به داخل یا خارج کشور اعمال می‌گردد. این اقدامات می‌توانند موقتی یا دائمی باشند و اهدافی چون جلوگیری از بحران‌های ارزی، حفاظت از ذخایر ارزی و مهار سرمایه‌های سوداگرانه را دنبال کنند. به‌رغم انتقادات نئولیبرالی علیه کنترل سرمایه، مطالعات نشان داده‌اند که اعمال این سیاست‌ها در شرایط بی‌ثباتی مالی می‌تواند مشروع و مؤثر باشد.^۳ در چارچوب معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه، برخی کشورها صراحتاً حق استفاده از کنترل سرمایه را برای خود محفوظ داشته‌اند. با این حال، بسیاری از این معاهدات فاقد مقررات روشن در این زمینه هستند و این امر می‌تواند منجر به بروز اختلافات سرمایه‌گذاری شود.

1. Russia – Traffic in Transit.

2. Pauwelyn, J., Guzman, A., & Hillman, J. **International Trade Law**. Wolters Kluwer, 2016, p. 202.

3. Dolzer, R., & Schreuer, C. **Principles of International Investment Law** (2nd ed.). Oxford University Press, 2012, pp.160-165.

در دهه‌های اخیر، بسیاری از دولت‌ها به اعمال محدودیت‌هایی بر سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های حساس اقتصادی نظیر انرژی، مخابرات و فناوری اطلاعات روی آورده‌اند. انگیزه اصلی این محدودیت‌ها حفاظت از امنیت ملی، جلوگیری از تملک دارایی‌های راهبردی و حفظ حاکمیت اقتصادی است.^۱ به‌طور خاص، ایالات متحده با گسترش صلاحیت‌های کمیته سرمایه‌گذاری خارجی^۲ توانسته است سرمایه‌گذاری‌هایی را که تهدید بالقوه برای امنیت ملی تلقی می‌شوند، متوقف یا مشروط کند.^۳ این رویکرد از نظر حقوق بین‌الملل اقتصادی در مرز باریکی میان اعمال حاکمیت ملی و نقض تعهدات معاهداتی قرار دارد.

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، توازن میان حق حاکمیت دولت‌ها برای تنظیم اقتصاد خود و تعهدات بین‌المللی‌شان در قبال سرمایه‌گذاران خارجی است. در بسیاری از معاهدات سرمایه‌گذاری، دولت‌ها متعهد به رعایت رفتار منصفانه و عادلانه، عدم تبعیض و انتقال آزاد سرمایه هستند. با این حال، در مواقع اضطراری یا برای حفظ نظم عمومی، برخی استثناها در معاهدات پیش‌بینی شده است. مراجع داوری سرمایه‌گذاری در پرونده‌های متعددی از جمله پرونده سالینی علیه مراکش^۴ و پرونده کنتیننتال کاسوالتی علیه آرژانتین^۵ تلاش کرده‌اند میان منافع عمومی و حقوق سرمایه‌گذاران تعادل برقرار کنند، اما نبود رویه واحد در این زمینه موجب تردید در حدود مجاز مداخله دولت‌ها شده است.^۶ سیاست‌های حمایتی در قالب کنترل سرمایه و محدودیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی، گرچه در شرایط خاص اقتصادی و ژئوپلیتیکی ضروری هستند، اما اجرای آن‌ها باید با ملاحظات حقوقی دقیق و با احترام به تعهدات بین‌المللی همراه باشد. حقوق بین‌الملل اقتصادی به دولت‌ها اجازه می‌دهد که در شرایط خاص، این ابزارها را برای حفظ ثبات اقتصادی و امنیت ملی به کار گیرند، مشروط بر اینکه این اعمال تبعیض‌آمیز، خودسرانه یا مغایر با اصول حقوقی تثبیت‌شده نباشند.

محدودیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی در بخش فناوری در ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا امروزه به‌عنوان ابزاری برای حفاظت از امنیت ملی، حاکمیت دیجیتال و تضمین رقابت منصفانه در

1. Muchlinski, P. **Multinational Enterprises and the Law** (2nd ed.). Oxford University Press, 2007, p.515.

2. The Committee on Foreign Investment in the United States (CFIUS).

3. Sauvart, K. P. "The Negotiations of the United Nations Code of Conduct on Transnational Corporations: Experience and Lessons Learned". *The Journal of World Investment & Trade*, Vol.16. No.1, 2015, p.43.

4. Salini v. Morocco.

5. Continental Casualty v. Argentina.

6. Dolzer, R., Op. cit., p.191.

بازارهای داخلی مورد استفاده قرار می‌گیرند. آمریکا با تصویب قانون اصلاح ریسک سرمایه‌گذاری خارجی^۱ اختیارات کمیته سرمایه‌گذاری خارجی در ایالات متحده را گسترش داد تا بررسی سرمایه‌گذاری‌های اقلیت و معاملات غیرکنترلی در فناوری‌های حساس به صلاحیت کلی ممنوعیت یا اصلاح معاملات مرتبط با فناوری‌ها افزوده شود. مصداق بارز این مورد در سال ۲۰۲۳، که ایالات متحده قوانینی را نهایی نمود که سرمایه‌گذاری در بخش‌های هوش مصنوعی، نیمه‌هادی‌ها و فناوری‌های کوانتومی در چین را محدود می‌کند تا از تقویت قابلیت‌های نظامی خارجی جلوگیری گردد. اتحادیه اروپا نیز قوانینی را تصویب کرده است که شرکت‌های بزرگ فناوری را ملزم به رعایت مقررات سخت‌گیرانه‌تری می‌کند تا از انحصار و رفتارهای ضدرقابتی جلوگیری شود. اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۹ مکانیزم غربالگری FDI را تصویب کرد که به کشورهای عضو اجازه می‌دهد سرمایه‌گذاری‌های خارجی را که ممکن است امنیت یا نظم عمومی را تهدید کنند، بررسی نمایند. قانون بازارهای دیجیتال نیز با هدف محدود کردن قدرت شرکت‌های بزرگ فناوری و تضمین رقابت منصفانه در بازار دیجیتال اتحادیه اروپا تدوین شده است.

۴. اقدامات چین برای کنترل سرمایه و تقویت یوان در برابر دلار

جمهوری خلق چین در دهه‌های اخیر مجموعه‌ای از سیاست‌ها را برای مدیریت جریان‌های سرمایه و تقویت واحد پولی خود (رنمینی^۲ یا یوان) در برابر دلار آمریکا به کار گرفته است. این اقدامات در حالی صورت می‌گیرد که چین به عنوان یکی از بازیگران اصلی اقتصاد جهانی در نظام پولی بین‌المللی نقش فزاینده‌ای یافته است. از منظر حقوق بین‌الملل اقتصادی- شامل مقررات سازمان تجارت جهانی، رژیم حقوقی سرمایه‌گذاری بین‌المللی و اصول صندوق بین‌المللی پول- پرسشی مهم آن است که این سیاست‌ها تا چه حد با تعهدات بین‌المللی چین سازگار است و چه تأثیری بر نظم پولی و تجاری جهانی دارد. در این بند، ابتدا سیاست‌های کنترلی چین بر جریان سرمایه و تلاش‌های این کشور برای ارتقای جایگاه یوان را بررسی می‌کنیم. سپس مطابقت یا تعارض این اقدامات با تعهدات چین در سازمان تجارت جهانی و موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری دوجانبه تحلیل می‌شود. در ادامه، موضع نهادهای بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی ارزیابی شده و در نهایت پیامدهای حقوقی و اقتصادی اقدامات چین بر نظام پولی بین‌المللی و تجارت جهانی مورد بحث قرار می‌گیرد.

1. Foreign Investment Risk Review Modernization Act of 2018.

2. The renminbi.

چین از گذشته تا امروز نظامی مبتنی بر حساب سرمایه بسته داشته و جریان ورود و خروج سرمایه را تحت کنترل شدید نگه داشته است. بانک جمهوری خلق چین با نرخ ارز شناور مدیریت شده، این جریان را تنظیم می‌کنند. پس از اصلاحات دهه ۷۰ میلادی، تسهیلاتی در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایجاد شد، اما سرمایه‌گذاری‌های غیرمستقیم مانند پرتفو و وام، همچنان به شدت محدود باقی ماندند. با وقوع بحران مالی آسیا در ۱۹۹۷، سیاست کنترل سرمایه تشدید شد. ورود چین به سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۱، مزاد تجاری بزرگی به همراه آورد و ورود سرمایه سوداگران، فشار افزایشی بر رنمینبی وارد کرد. چین با سیاست «ورود سخت‌تر و خروج آسان‌تر» تلاش کرد کنترل بیشتری اعمال کند و خروج سرمایه به شکل پروژه‌های واقعی را تسهیل کرد.^۱ از ۲۰۱۲ به بعد، چین به سوی مدل متوازن‌تری حرکت کرد؛ اقداماتی نظیر اصلاحات تدریجی، افزایش سهمیه‌های سرمایه‌گذاری برون‌مرزی مانند RQFII و QDII^۲ و کاهش محدودیت‌ها در بازار اوراق قرضه داخلی از این قبیل هستند. اما همچنان در زمان بی‌ثباتی، اداره دولتی ارزش خارجی قدرت اعمال مقررات سخت‌گیرانه را حفظ کرده است. مطالعات بانک تسویه‌حساب‌های بین‌المللی^۳ تأیید می‌کند که کنترل‌ها در چین همچنان «به طور قابل توجهی محدودکننده» باقی مانده‌اند.^۴ در مواقعی مانند سال ۲۰۱۶، هم‌زمان با بحران بازار بورس، دولت نظارت‌ها را تشدید کرد و مقررات گزارش‌دهی معاملات مشکوک را الزامی ساخت.^۵ مبنای قانونی کنترل سرمایه، قانون مدیریت ارزش خارجی چین و آیین‌نامه‌های آن است که اداره دولتی ارزش خارجی و کمیسیون توسعه و اصلاحات ملی بر اجرای آن نظارت دارند. ابزارهایی چون ثبت قراردادهای ارزی، سهمیه‌بندی و نظارت بر پروژه‌های خارجی شرکت‌ها (به‌ویژه از ۲۰۱۷ به بعد) هم در همین راستا اجرا شده‌اند.

1. <https://blogs.law.ox.ac.uk/business-law-blog/blog/2021/09/legality-capital-controls-covid-induced-retreat-financial#:~:text=distinct%20phases> [last visited: 1/4/2025]

۲. QDII (Qualified Domestic Institutional Investor) این برنامه یک مجوز قانونی است که توسط دولت چین برای نهادهای سرمایه‌گذاری داخلی صادر می‌شود تا بتوانند در بازارهای خارجی سرمایه‌گذاری کنند. هدف از این برنامه، تسهیل ورود سرمایه‌گذاران چینی به بازارهای مالی بین‌المللی و متنوع‌سازی پورتفو سرمایه‌گذاری است. RQFII (Renminbi Qualified Foreign Institutional Investor) این برنامه مشابه QDII است، با این تفاوت که برای نهادهای سرمایه‌گذاری خارجی طراحی شده است تا به آن‌ها این امکان را بدهد که با استفاده از یوان چین (Renminbi) در بازارهای مالی چین سرمایه‌گذاری کنند. این برنامه به‌ویژه در راستای افزایش استفاده از یوان در تجارت بین‌المللی و بازارهای مالی جهانی است.

3. Bank for International Settlements (BIS)

4. Ma, Guonan, Do China's capital controls still bind? Implications for monetary autonomy and capital liberalization, BIS Working Papers, No 233, 2007.

5. <https://www.centralbanking.com/central-banks/currency/7860946/chinas-capital-controls-here-to-stay#:~:text=Since%20the%20mid,beginning%20of%20stricter%20capital%20controls> [last visited: 20/3/2025]

در نهایت، این چارچوب کنترلی توانسته است چین را از بسیاری از بحران‌های مالی بین‌المللی در امان نگه دارد و ثبات مالی و استقلال سیاست‌گذاری پولی را حتی در بستر تجارت جهانی حفظ کند. چین از اواخر دهه ۲۰۰۰ با هدف کاهش وابستگی به دلار و افزایش نفوذ مالی خود در نظام جهانی، پروژه بین‌المللی‌سازی یوان (RMB) را آغاز کرد.^۱ این برنامه در چهار محور اصلی پیگیری شده است: الف) افزایش استفاده از یوان در تجارت دوجانبه: پس از بحران مالی ۲۰۰۸، چین به شرکت‌های داخلی و شرکای تجاری امکان داد تجارت را با یوان انجام دهند. تا سال ۲۰۱۵، بیش از ۳۰٪ از تجارت کالایی چین با یوان تسویه می‌شد. و یوان به دومین ارز در تأمین مالی تجارت جهانی و پنجمین ارز پراستفاده در پرداخت‌های بین‌المللی تبدیل شد.^۲ ب) ایجاد بازارهای آفشور یوان و تأمین مالی بین‌المللی: هنگ‌کنگ نخستین مرکز برون‌مرزی یوان (CNH) شد و انتشار اوراق قرضه RMB موسوم به اوراق دین سان^۳ به سرمایه‌گذاران خارجی امکان جذب منابع با یوان را داد. این مراکز در شهرهایی مانند لندن و سنگاپور نیز گسترش یافتند. ج) انعقاد سوآپ‌های ارزی دوجانبه: از ۲۰۰۸، بانک خلق چین بیش از ۳۰ توافق‌نامه سوآپ ارزی با کشورهای مختلف امضا کرد که دسترسی به نقدینگی یوان و کاهش وابستگی به دلار را تسهیل کردند. این قراردادها از منظر حقوقی به عنوان تفاهم‌نامه‌های معتبر بین‌المللی شناخته می‌شوند.^۴ د) پیوستن یوان به سبد حق برداشت ویژه:^۵ در سال ۲۰۱۶، یوان با تصویب هیأت اجرایی صندوق بین‌المللی پول به سبد حق برداشت ویژه پیوست و ارزش آن ۱۰٫۹۲٪ تعیین شد؛ این اقدام، فشارهایی برای اصلاحات مالی بیشتر در چین، از جمله آزادی نرخ بهره و گسترش بازار اوراق قرضه، ایجاد کرد.^۶ ه) یوان دیجیتال (ارز دیجیتال بانک مرکزی چین):^۷ از سال ۲۰۲۰، چین پروژه یوان دیجیتال را آزمایش کرد. هدف داخلی، حرکت به اقتصاد بدون پول نقد، و هدف خارجی، ایجاد ابزار

1. Liu, Li-Gang (2015). "Why the West Should Welcome Chinese Yuan's Inclusion into the SDR." Op-ed, Peterson Institute for International Economics (originally in South China Morning Post), June 8, 2015.

2. <https://www.piie.com/commentary/op-eds/why-west-should-welcome-chinese-yuans-inclusion-sdr#:~:text=The%20RMB%20is%20now%20the,for%20International%20Settlements%20in%202013> [last visited: 17/3/2025]

3. Dim-Sum Bonds.

4. Zhang, L. **Renminbi Internationalization: Achievements, Prospects, and Challenges**. Springer, 2016, p.88.

5. Special drawing rights (SDR).

6. Lagarde, C. IMF Adds Chinese Renminbi to SDR Basket: A Historic Milestone. International Monetary Fund. 2015. Available at:

<https://www.imf.org/en/News/Articles/2015/09/28/04/53/sdrr121515a>.

7. e-CNY.

پرداخت مستقل از سیستم‌های مالی مبتنی بر دلار برخی تحلیلگران نگران‌اند که یوآن دیجیتال بتواند برای دور زدن تحریم‌ها یا کاهش شفافیت مالی استفاده شود.^۱

۱.۴. تطابق یا تعارض اقدامات چین با مقررات سازمان تجارت جهانی (سرمایه‌گذاری و سیاست ارزی)

سیاست‌های ارزی و سرمایه‌ای چین، اگرچه تحت کنترل شدید قرار دارند، اما به‌طور کلی ناقض صریح مقررات سازمان تجارت جهانی نیستند. مقررات سازمان تجارت جهانی بیشتر ناظر به معاملات جاری (تجارت کالا و خدمات) است، نه جریان آزاد سرمایه. ماده ۱۱ گاتس و تعهدات چین در بخش‌های مالی (بانکداری و بیمه) ایجاب می‌کند که انتقالات پولی مرتبط با خدمات تعهدشده آزاد باشد، و چین در عمل این الزام را تا حدود زیادی رعایت کرده است. چین پس از الحاق به سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۱، برخی مقررات پیشین خود مانند شرط موازنه ارز و الزام صادرات را حذف کرد تا با توافقنامه تدابیر سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت موسوم به تریمز^۲ سازگار شود. با اجرای برنامه‌هایی مثل QFII و RQFII، امکان ورود سرمایه‌گذاران خارجی به بازار اوراق فراهم شد که در چارچوب تعهدات چین قرار دارد.

در حوزه سیاست ارزی، مهم‌ترین انتقاد به چین مربوط به پایین نگه داشتن ارزش یوآن پیش از ۲۰۱۰ بود. بنا بر استدلال برخی دولت‌ها، به‌ویژه آمریکا، این امر به مثابه مزیت رقابتی ناعادلانه برای صادرات چین عمل می‌کند. ماده ۱۵ گات ۱۹۹۴ مقرر می‌دارد اعضا نباید مزایای معاهده را از طریق اقدامات ارزی عقیم سازند و بر همکاری با صندوق بین‌المللی پول تأکید دارد.^۳ با این حال، به دلیل صلاحیت اصلی صندوق بین‌المللی پول در امور ارزی و نبود سازوکار مؤثر در سازمان تجارت جهانی برای مقابله با دستکاری ارز، تاکنون هیچ شکایت رسمی علیه چین در این زمینه مطرح نشده است. طبق موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی^۴ مداخله ارزی دولت الزاماً به‌عنوان یارانه مستقیم قابل شناسایی نیست، مگر آن‌که نفع خاصی برای صادرکنندگان اثبات شود؛ گرچه وزارت بازرگانی آمریکا تلاش کرده در حقوق داخلی خود مداخله ارزی را در ارزیابی یارانه‌ها لحاظ کند، اما انطباق آن با حقوق سازمان تجارت جهانی مورد تردید است.

1. Choer Moraes, H. & Kim, J. "Digital Currencies and the Future of the International Monetary System". *Harvard International Law Journal*. Vol.63. No.2, 2022, p.531.

2. Trade-Related Investment Measures (TRIMS).

3. Qin, Julia Ya. "The Challenge of Interpreting 'WTO-Plus' Provisions." *Journal of World Trade*, Vol. 127. No.44, 2010, p. 150.

4. Agreement on Subsidies and Countervailing Measures (SCM Agreement).

در نهایت، از منظر سرمایه‌گذاری نیز سازمان تجارت جهانی الزام صریحی برای آزادی کامل سرمایه ندارد. توافقنامه تریمز الزاماتی مانند حذف الزامات صادرات یا تخصیص ارز خاص را در بر دارد و چین آن‌ها را رعایت کرده است. موضوع خروج سود و سرمایه بیشتر در حوزه معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه (BITS) مطرح است. بنابراین اقدامات چین در چارچوب قواعد سازمان تجارت جهانی، به‌ویژه در حوزه خدمات و سرمایه‌گذاری مرتبط، در حال حاضر تناقض آشکاری با تعهدات ندارد.^۱ هرچند دغدغه‌هایی درباره دستکاری ارزی وجود داشته، اما ساختار مقررات سازمان تجارت جهانی و نقش محوری صندوق بین‌المللی پول موجب شده این موضوع بیشتر در سطح سیاسی-اقتصادی باقی بماند تا حقوقی.

۲.۴. جایگاه اقدامات چین در موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری دوجانبه

چین از فعال‌ترین کشورهای منعقدکننده معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری است و بیش از ۱۰۰ معاهده با کشورهای مختلف دارد.^۲ این معاهدات اصولی چون رفتار منصفانه، حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی، و آزادی انتقال سرمایه را تضمین می‌کنند. در نسل اول این معاهدات چین (دهه‌های ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰)، انعطاف زیادی برای کنترل سرمایه دیده می‌شد. اما از اواخر دهه ۹۰ به بعد، معاهدات جدید چین، اصل «انتقال آزاد وجوه» را به‌طور صریح پذیرفته‌اند؛ مانند معاهدات چین-هلند (۲۰۰۱)، چین-آلمان (۲۰۰۳) و چین-کانادا (۲۰۱۲) که به آن تصریح شده است.^۳

با این حال، چین در بیشتر این معاهدات بندهای استثنایی برای بحران‌های مالی، تراز پرداخت، یا ثبات اقتصادی اضافه کرده است. این بندها معمولاً اجازه می‌دهند دولت‌ها در شرایط بحرانی، محدودیت‌هایی موقتی بر انتقال سرمایه اعمال کنند، مشروط بر اینکه این اقدامات بر اساس مقررات صندوق بین‌المللی پول، غیرتبعیض‌آمیز و موجه باشند (مثلاً در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری چین-فنلاند ۲۰۰۴ و چین-مکزیک ۲۰۰۸). از منظر حقوقی، وجود این بندها به چین اجازه می‌دهد بدون نقض معاهده، در مواقع بحرانی کنترل سرمایه را اعمال کند. مشابه چنین استدلالی در پرونده داوری معروف

1. Mercurio, Bryan, Shaffer, Gregory, & Gao, Henry. "WTO Reform and China: Defining or Defiling the Multilateral Trading System?" *Journal of International Economic Law*, Vol.24. No.2, 2021, p.440.

2. UNCTAD. World Investment Report 2021: Investing in sustainable recovery. United Nations Conference on Trade and Development. Retrieved from <https://unctad.org/webflyer/world-investment-report-2021>.

3. Hufbauer, Gary Clyde & Miner, Sean. "China's BITS and Financial Services Liberalization." In: Sauvants, Karl P. & Sachs, Lisa E. (eds.), *The Evolving International Investment Regime: Expectations, Realities, Options*. Oxford University Press, 2015, p.10.

پرونده کنتیننتال کاسوالتی علیه آرژانتین پذیرفته شد، جایی که اقدامات ارزی آرژانتین تحت بند «امنیت ملی» موجه دانسته شد.

بسیاری از معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری جدید چین همچنین مشروط به رعایت قوانین داخلی کشور میزبان هستند، به این معنا که اگر اقدامات کنترلی طبق قوانین عمومی کشور و به صورت غیرتبعیض‌آمیز اعمال شوند، ممکن است ناقض معاهده تلقی نشوند. با این حال، در برخی داورها این دفاع کافی نبوده، چون تعهدات معاهده‌ای بر قوانین داخلی اولویت دارند. تا به امروز، چین با استفاده از این ساختار حقوقی و وجود بندهای استثنائی، از بروز منازعات جدی در داورهای سرمایه‌گذاری جلوگیری کرده است. سرمایه‌گذاران خارجی معمولاً قادر به انتقال سود خود هستند، اگرچه انجام آن مستلزم طی مراحل قانونی نظیر ارائه اسناد به SAFE و پرداخت مالیات است. در موافقت‌نامه جامع سرمایه‌گذاری چین و اتحادیه اروپا CAI (که در ۲۰۲۰ مذاکره شد)، آزادی انتقالات به رسمیت شناخته شده، اما هم‌زمان امکان اقدامات احتیاطی برای ثبات مالی نیز لحاظ شده است.^۱

مع هذا رژیم معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری چین به‌گونه‌ای طراحی شده که ضمن حفظ اصل حمایت از سرمایه‌گذاران، فضای کافی برای اعمال سیاست‌های کنترلی در شرایط استثنائی باقی بگذارد. این رویکرد به چین امکان داده هم با استانداردهای بین‌المللی تطابق یابد، هم استقلال سیاست‌گذاری اقتصادی خود را حفظ کند.

۳.۴. موضع صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی نسبت به اقدامات چین

صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی همواره سیاست‌های ارزی و سرمایه‌ای چین را زیر نظر داشته‌اند. چارچوب حقوقی اصلی، اساسنامه صندوق است که بر اساس ماده ۸ آزادی معاملات جاری را الزامی می‌داند، اما طبق ماده ۶ اعضا مجازند بر معاملات سرمایه کنترل‌هایی اعمال کنند. در دهه ۲۰۰۰، صندوق بین‌المللی پول چین را برای اصلاح نرخ ارز تحت فشار گذاشت و بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ RMB را «کم‌ارزش‌گذاری شده» اعلام کرد.^۲ با این حال، به دلیل نبود تعریف دقیق از «دست‌کاری ارزی» و حساسیت سیاسی موضوع، صندوق هیچ بیانیه رسمی علیه چین صادر نکرد. از ۲۰۰۵ چین به تدریج نرخ ارز را اصلاح کرد و در سال ۲۰۱۵ صندوق اعلام کرد صندوق دیگر به‌طور مصنوعی پایین نیست.

1. European Commission & Government of the People's Republic of China. (2020). Comprehensive Agreement on Investment (CAI) – Draft Text. Art.5.
2. International Monetary Fund (IMF). (2007–2010). People's Republic of China: Article IV Consultation Reports (2007, 2008, 2009, 2010). IMF Country Reports No. 07/385, 08/235, 09/262, and 10/238. Washington, D.C.: International Monetary Fund.

در موضوع کنترل سرمایه، صندوق بین‌المللی پول موضعی تدریجی و انعطاف‌پذیر دارد. گرچه اساسنامه تعهدی به آزادسازی سرمایه ایجاد نمی‌کند، اما صندوق همواره کشورهای در حال توسعه را به آزادسازی محتاطانه تشویق کرده است.^۱ در همین راستا، چین در ۱۹۹۶ ماده ۸ را پذیرفت و معاملات جاری را آزاد کرد، ولی حساب سرمایه را تحت کنترل نگه داشت. تحول مهم در سیاست صندوق، تصویب "دیدگاه نهادی" در سال ۲۰۱۲ بود که کنترل جریان سرمایه را در شرایط خاص مشروع دانست و تأکید کرد که راه واحدی برای آزادسازی وجود ندارد.^۲ این دیدگاه ضمن پذیرش واقعیت‌های کشورهایمانند چین، حمایت از مدل ترکیبی کنترل و آزادسازی را توجیه‌پذیر دانست. صندوق همچنان از چین می‌خواهد اصلاحات ساختاری بیشتری مانند ارتقاء شفافیت مالی و تقویت سیستم بانکی انجام دهد. در مورد بین‌المللی‌سازی یوان، صندوق ورود RMB به SDR را در سال ۲۰۱۵ مثبت ارزیابی کرد و آن را عاملی برای پیشبرد اصلاحات دانست.^۳

بانک جهانی نیز دیدگاهی مشابه دارد. در سال ۲۰۱۶، این نهاد با صدور اوراق قرضه SDR (شامل یوان) در بازار چین، از نقش جهانی RMB استقبال کرد. همچنین در گزارش «China 2030» توصیه کرد چین به تدریج آزادسازی مالی را همراه با تقویت نهادهای نظارتی و حقوقی پیش ببرد.^۴ در مجموع، موضع نهادهای بین‌المللی نسبت به اقدامات چین ترکیبی از پذیرش محتاطانه و ترغیب به اصلاحات بوده است. صندوق بین‌المللی پول ضمن پذیرش حق چین در کنترل سرمایه (بر اساس مقررات خود صندوق)، از سیاست‌های ثبات‌محور چین تمجید کرده اما همزمان چین را به سمت شفافیت بیشتر و همسویی با استانداردهای جهانی سوق داده است. بانک جهانی نیز اقدامات چین را به عنوان بخشی از گذار این کشور به یک اقتصاد پیشرفته می‌بیند و تأکید می‌کند که ادغام کامل یوان در سیستم مالی جهانی نیازمند تداوم اصلاحات داخلی است. در بعد حقوقی، هیچ‌یک از این نهادها اقدام چین را ناقض تعهدات بین‌المللی قلمداد نکرده‌اند؛ برعکس، با به‌روزرسانی چارچوب‌های تحلیلی خود، جایی برای مدل چین باز کرده‌اند. برای مثال، صندوق در سند «دیدگاه نهادی ۲۰۱۲» خود صریحاً افزود که توصیه‌های

1. International Monetary Fund (IMF). Annual Report of the Executive Board for the Financial Year Ended April 30, 1997. Washington, D.C.: International Monetary Fund. 1997.

2. International Monetary Fund (IMF). The Liberalization and Management of Capital Flows: An Institutional View. IMF Policy Paper, November 14, 2012. Washington, D.C.: International Monetary Fund. 2012, p.34.

3. IMF, Review of the Method of Valuation of the SDR—Final Report, 2016, pp. 10–12.

4. World Bank & Development Research Center of the State Council, the People's Republic of China. China 2030: Building a Modern, Harmonious, and Creative Society. Washington, D.C.: World Bank. 2013, p.120.

این دیدگاه حقوق و تعهدات اعضا تحت سایر توافقات بین‌المللی (از جمله مقررات سازمان تجارت جهانی و موافقتنامه‌های سرمایه‌گذاری دوجانبه) را تغییر نمی‌دهد، بلکه صرفاً راهنمای مشورتی است. این جمله احتمالاً با در نظر داشتن کشورهایی چون چین اضافه شد تا روشن کند صندوق از اعضا نمی‌خواهد با عمل به توصیه‌های این نهاد، در معرض نقض تعهدات دیگر قرار گیرند. خوشبختانه در مورد چین، چنانکه گفتیم، تعهدات مندرج در مقررات سازمان تجارت جهانی و موافقتنامه‌های سرمایه‌گذاری دوجانبه هم اجازه انعطاف لازم را می‌دهند و تناقض عملی رخ نداده است.

۵. تأثیر حقوقی و اقتصادی اقدامات چین و آمریکا بر نظام پولی بین‌المللی و تجارت جهانی

رقابت اقتصادی و سیاست‌گذاری‌های یک‌جانبه چین و ایالات متحده در حوزه سرمایه، ارز، و تجارت فناوری، فراتر از یک تقابل دوجانبه، به سطحی رسیده که آثار ساختاری بر نظم پولی بین‌المللی و رژیم حقوقی تجارت جهانی برجای گذاشته است. از منظر حقوق بین‌الملل اقتصادی، اتخاذ سیاست‌های محدودکننده از سوی این دو قدرت- چه در قالب کنترل سرمایه توسط چین و چه از طریق اعمال محدودیت‌های صادرات فناوری توسط آمریکا- سؤالات مهمی درباره کارایی، توازن، و مشروعیت قواعد حاکم بر نظام تجارت و پول بین‌الملل مطرح کرده است.

در حوزه پولی، تلاش چین برای بین‌المللی‌سازی یوآن و کاهش وابستگی به دلار، در کنار کنترل مستمر سرمایه، به بازتعریف برخی مفاهیم کلاسیک در نظریه لیبرالی تجارت منجر شده است. پیوستن یوآن به سید حق برداشت مخصوص صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۱۵، درحالی‌که این ارز همچنان تحت کنترل سرمایه قرار دارد، نشان‌دهنده پذیرش ضمنی مدل ترکیبی چین از سوی نهادهای بین‌المللی است. با این حال، این مدل پرسش‌هایی درباره حدود مشروعیت کنترل سرمایه در فضای حقوقی بین‌المللی، به‌ویژه در تعامل با تعهدات ناشی از موافقتنامه‌های سرمایه‌گذاری دوجانبه و مقررات گتس، پدید آورده است. از سوی دیگر، اقدامات آمریکا در محدودسازی دسترسی چین به فناوری‌های پیشرفته از جمله نیمه‌هادی‌ها و هوش مصنوعی، به استناد ماده ۲۱ گات، به نگرانی‌هایی درباره «استفاده ابزاری از استثنائات امنیتی» دامن زده و موجب تضعیف تدریجی اصل عدم تبعیض و پیش‌بینی‌پذیری در تجارت بین‌الملل شده است.

از بعد اقتصادی، این سیاست‌ها زنجیره تأمین جهانی را با اختلال مواجه کرده، روند جهانی‌سازی را کند، و به تشکیل بلوک‌های تجاری-ارزی منطقه‌ای شتاب بخشیده است. چین با ایجاد شبکه سوآپ‌های

ارزی دوجانبه و تقویت بازارهای آف‌شور یوان، عملاً بنیانی برای نظام پرداخت غیروابسته به دلار ایجاد کرده که برخی پژوهشگران^۱ آن را نوعی «چندقطبی شدن پولی» تلقی کرده‌اند. این تحول، چالش‌هایی برای ثبات نرخ ارز، هماهنگی سیاست‌های پولی، و وحدت بازارهای مالی ایجاد می‌کند که نظام حقوقی فعلی قادر به پاسخ‌گویی جامع به آن نیست.

از منظر حقوقی، ضعف ساختاری سازمان تجارت جهانی در پاسخ به اقدامات ارزی و سرمایه‌ای آشکار شده است. ماده ۱۵ گات بر لزوم همکاری نزدیک با صندوق بین‌المللی پول تأکید دارد، اما در عمل، فقدان سازوکار اجرایی مؤثر و عدم تعریف دقیق از «دست‌کاری ارزی»، سازمان را از ورود جدی به موضوع بازداشته است. همچنین، فقدان موافقت‌نامه جامع در سازمان درباره سرمایه‌گذاری، موجب شده کنترل‌های سرمایه‌ای دولت‌ها عمدتاً در حاشیه‌ی نظارت سازمان باقی بمانند و مناقشات مربوط به آن بیشتر در چارچوب موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری دوجانبه و داوری‌های سرمایه‌گذاری حل‌وفصل شوند.

به‌طور کلی، اقدامات چین و آمریکا نشان می‌دهد که فضای حقوق بین‌الملل اقتصادی نیازمند نوسازی است؛ نوسازی‌ای که نه تنها شامل بازنگری در مقررات مربوط به تجارت فناوری و سرمایه‌گذاری خارجی باشد، بلکه باید قواعد نظام پولی بین‌الملل را نیز با واقعیت‌های نوین اقتصاد جهانی - از جمله نقش فزاینده ارزهای دیجیتال، کنترل سرمایه و بلوک‌های ارزی - منطبق سازد. در غیر این صورت، خطر بی‌اعتباری نهادهای چندجانبه و افزایش گرایش کشورها به اقدامات یک‌جانبه افزایش خواهد یافت؛ موضوعی که مشروعیت، ثبات و انسجام رژیم حقوقی تجارت بین‌الملل را در معرض تهدید قرار می‌دهد.

۶. راهکارهای حقوقی برای ارتقای نظم تجاری و پولی بین‌المللی در پرتو چالش‌های ناشی از رقابت چین و آمریکا

پویایی‌های اقتصادی اخیر میان چین و ایالات متحده، که در قالب جنگ تجاری، محدودیت‌های فناوری، و رقابت ارزی نمود یافته‌اند، نظام حقوق بین‌الملل اقتصادی را در برابر آزمونی جدی قرار داده‌اند. این وضعیت نشان می‌دهد که رژیم فعلی - با تکیه بر اصولی چون آزادی تجارت، عدم تبعیض، و تثبیت قواعد سرمایه‌گذاری - به تنهایی قادر به مدیریت تعارضات ژئوپلیتیکی میان قدرت‌های بزرگ نیست. در این راستا، ارائه راهکارهای حقوقی با هدف تقویت سازوکارهای چندجانبه، کاهش رفتارهای یک‌جانبه و افزایش شفافیت سیاست‌های اقتصادی کشورها ضروری به نظر می‌رسد. که برخی از مهم‌ترین آنها به شرح ذیل است:

1. Zhang, Op. cit. p.90.

الف) بازتعریف و تقویت همکاری سازمان تجارت جهانی با صندوق بین‌المللی پول در حوزه سیاست‌های ارزی و سرمایه‌ای: فقدان ابزارهای حقوقی لازم در سازمان تجارت جهانی برای نظارت بر دستکاری‌های ارزی و کنترل‌های سرمایه، باعث تضعیف کارایی آن شده است. بازنگری در ماده ۱۵ گات و ایجاد پروتکل همکاری عملیاتی با صندوق می‌تواند به پر کردن این خلأ کمک کند. در این راستا، تعریف دقیق‌تری از «مداخله ارزی مغایر با تجارت» و «کنترل سرمایه غیرموجه» می‌تواند مبنای ارزیابی حقوقی مشترک فراهم آورد.

ب) توسعه موافقت‌نامه‌ای جامع در سازمان تجارت جهانی برای سرمایه‌گذاری بین‌المللی: با توجه به تمرکز موافقت‌نامه‌های فعلی مانند تریمز بر جنبه‌های محدود سرمایه‌گذاری، نیاز به توافقی جامع و چندجانبه مشابه مدل معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه (BITs) وجود دارد که حقوق و تعهدات سرمایه‌گذاران و دولت‌ها را به‌روشنی مشخص کند، در عین حال استثنائات بحران‌های مالی را به رسمیت بشناسد. چنین توافقی می‌تواند مانع از تفسیرهای متضاد و داوری‌های غیرهمسان در دعاوی سرمایه‌گذاری شود.

ج) ایجاد سازوکار حل‌وفصل اختلافات تخصصی در حوزه فناوری و امنیت اقتصادی: با توجه به افزایش تنش‌ها بر سر صادرات فناوری‌های پیشرفته، توصیه می‌شود رکن حل اختلاف سازمان تجارت جهانی یک نهاد فرعی تخصصی با صلاحیت در حوزه «تجارت و امنیت» تأسیس کند. این نهاد می‌تواند به تفسیر محدود و دقیق از استثنائات امنیتی در ماده ۲۱ گات کمک کرده و مانع از سوءاستفاده ابزاری کشورها از این ماده گردد.^۱

د) تدوین چارچوب حقوقی بین‌المللی برای ارزهای دیجیتال ملی: با توجه به گسترش ارزهای دیجیتال بانکی از جمله یوآن دیجیتال، لازم است قواعدی مشترک در سطح بین‌المللی درباره قابلیت استفاده فرامرزی، شفافیت، و عدم سوءاستفاده از این ارزها تدوین شود. این چارچوب می‌تواند در قالب یک موافقت‌نامه تحت نظارت IMF یا BIS تنظیم شده و مانع از بهره‌برداری ژئوپلیتیکی از ابزارهای نوین پولی گردد.^۲

1. Howse, R. "The World Trade Organization 20 Years On: Global Governance by Judiciary". *European Journal of International Law*, Vol.24. No.1, 2013, p.20.

2. Zhang, W. "Sovereign digital currencies and the fragmentation of the international monetary system". *Harvard International Law Journal*, Vol.63. No.2, 2022, p.518.

ه) بازنگری در ضوابط استناد به استثنائات امنیت ملی در گات: توسعه رویه‌های تفسیر ماده ۲۱ گات در رکن حل اختلاف سازمان تجارت جهانی، همراه با تدوین دستورالعمل‌هایی درباره بار اثبات «تهدید امنیتی واقعی و فوری»، می‌تواند موجب پیش‌بینی‌پذیری بیشتر در حقوق تجارت شود. این امر، به‌ویژه در مواجهه با محدودیت‌های صادرات فناوری، از سوءاستفاده کشورها جلوگیری خواهد کرد. در مجموع، حفظ مشروعیت و پایداری نظام حقوق بین‌الملل اقتصادی در گرو پاسخ مؤثر به چالش‌های نوظهور است. اقدامات چین و آمریکا به‌عنوان قدرت‌های اقتصادی برتر جهان باید در قالب نظم حقوقی شفاف‌تر، مسئولانه‌تر و چندجانبه‌محور تحلیل و مدیریت شود. ایجاد توازن میان حاکمیت اقتصادی کشورها و الزامات نظم جهانی، اصلی‌ترین هدف این اصلاحات پیشنهادی است.

نتیجه‌گیری

تحولات سال‌های اخیر در روابط اقتصادی چین و ایالات متحده، به‌ویژه از منظر حقوق بین‌الملل اقتصادی، نمایانگر پیچیدگی فزاینده تعاملات تجاری در عصر جهانی‌شدن و رقابت‌های ژئوپلیتیکی است. سه ابزار کلیدی جنگ تجاری - افزایش تعرفه‌ها، ممنوعیت صادرات فناوری، و سیاست‌های حمایتی در قالب کنترل سرمایه و محدودیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی - هر یک به‌نوعی چالش‌های حقوقی مهمی برای نظام تجارت جهانی و نظم پولی بین‌المللی ایجاد کرده‌اند. تحلیل داده‌ها نشان داد که اگرچه اقدامات طرفین، به‌ویژه چین، در برخی موارد با اصول بنیادین حقوق بین‌الملل اقتصادی از جمله تعهدات سازمان تجارت جهانی و موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری دوجانبه در تنش قرار گرفته‌اند، اما در مجموع کشورها توانسته‌اند با بهره‌گیری از استثناهای پیش‌بینی‌شده، فضای مانور حقوقی قابل توجهی حفظ کنند. در این میان، چین با استفاده از سیاست‌های کنترل سرمایه، مدیریت نرخ ارز، و راهبرد بین‌المللی‌سازی یوآن، توانسته است هم ثبات مالی داخلی را حفظ کند و هم تدریجاً جایگاه پولی و اقتصادی خود را در سطح بین‌المللی ارتقا دهد، بدون آنکه به‌طور آشکار تعهدات بین‌المللی خود را نقض کند. در سوی مقابل، ایالات متحده نیز با توسل به استثنائات امنیتی و ابزارهای حقوق داخلی چون ماده ۳۰۱ قانون تجارت و قوانین کنترل صادرات، تلاش کرده حیطه مشروعیت اقداماتش را از منظر حقوق تجارت بین‌الملل گسترش دهد. این امر اگرچه در کوتاه‌مدت منافع راهبردی خاصی را دنبال می‌کند، اما در بلندمدت خطر فرسایش قواعد حقوقی چندجانبه و تشویق سایر کشورها به اقدامات مشابه را به همراه دارد.

با توجه به این وضعیت، به نظر می‌رسد نظام حقوق بین‌الملل اقتصادی در برابر چالش جنگ تجاری چین و آمریکا نه با نقض صریح، بلکه با نوعی «تنش در تفسیر و کاربرد قواعد» مواجه است. برای مواجهه با این وضعیت و حفظ اعتبار نظام چندجانبه، اصلاحات نهادی در سازمان تجارت جهانی، ارتقای انسجام میان نهادهای اقتصادی بین‌المللی (از جمله صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی)، و طراحی سازوکارهای شفاف‌تر برای تبیین مرزهای مشروعیت اقدامات حمایتی و امنیتی ضرورت دارد.

در پایان، تجربه جنگ تجاری چین و آمریکا یک پیام روشن دارد؛ کارآمدی حقوق بین‌الملل اقتصادی در قرن بیست‌ویکم نه در سخت‌گیری بر قواعد، بلکه در انعطاف هوشمندانه و تعادل‌بخش آن میان ملاحظات اقتصادی، امنیتی و حاکمیتی خواهد بود. تنها با چنین رویکردی است که می‌توان به سوی نظام تجاری جهانی باثبات‌تر، عادلانه‌تر و قابل پیش‌بینی‌تر حرکت کرد. از منظر پژوهش‌های آتی، بررسی تقاطع سیاست‌های تجاری، پولی و فناورانه در قالب حقوق بین‌الملل اقتصادی اهمیت فزاینده‌ای خواهد یافت. به‌ویژه با توجه به گسترش استفاده از ارزهای دیجیتال ملی، توسعه مکانیسم‌های پرداخت غیردلاری، و شکل‌گیری بلوک‌های جدید اقتصادی، مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه‌های حقوق تجارت، حقوق پولی، و اقتصاد سیاسی بین‌الملل می‌توانند به روشن‌تر شدن ابعاد حقوقی رفتار دولت‌ها کمک کنند. همچنین واکاوی رویه‌های حل اختلاف و داوری‌های مربوط به تعارضات سرمایه‌گذاری و ارزی در سال‌های آینده، بستر مناسبی برای تحلیل پویایی‌های نوظهور در حقوق اقتصادی بین‌المللی فراهم می‌آورد. در این راستا، شناسایی ظرفیت‌ها و خلأهای نظام حقوقی فعلی و بازطراحی سازوکارهای منصفانه، شفاف و مؤثر، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای صیانت از نظم اقتصادی جهانی خواهد بود.

References

Books

1. Bown, C. P. **The US–China Trade War and Phase One Agreement**. Peterson Institute for International Economics, 2020.
2. Dolzer, R., & Schreuer, C. **Principles of International Investment Law** (2nd ed.). Oxford University Press, 2012.
3. Solingen, E. **Geopolitics, Supply Chains, and International Relations in East Asia**. Cambridge University Press, 2021.
4. Eichengreen, B. **Golden Fetters: The Gold Standard and the Great Depression, 1919-1939**. Oxford University Press, 1992.
5. Hufbauer, Gary Clyde & Miner, Sean. “China’s BITs and Financial Services Liberalization.” In: Sauvart, Karl P. & Sachs, Lisa E. (eds.), **The Evolving International Investment Regime: Expectations, Realities, Options**. Oxford University Press, 2015.
6. Irwin, D. A. **Clashing Over Commerce: A History of US Trade Policy**. University of Chicago Press, 2017.
7. Jackson, J. H. **The World Trading System: Law and Policy of International Economic Relations**. MIT Press, 2000.
8. Krugman, P., & Obstfeld, M. **International Economics: Theory and Policy**. Pearson, 2022.
9. Matsushita, M., Schoenbaum, T., Mavroidis, P. C., & Hahn, M. **The World Trade Organization: Law, Practice, and Policy**. Oxford University Press, 2017.
10. Medcalf, R. **Indo-Pacific Empire: China, America and the Contest for the World's Pivotal Region**. La Trobe University Press, 2022.
11. Muchlinski, P. **Multinational Enterprises and the Law** (2nd ed.). Oxford University Press, 2007.
12. Pauwelyn, J., Guzman, A., & Hillman, J. **International Trade Law**. Wolters Kluwer, 2016.
13. Van den Bossche, P., & Zdouc, W. **The Law and Policy of the World Trade Organization**. Cambridge University Press, 2021.
14. Zhang, L. **Renminbi Internationalization: Achievements, Prospects, and Challenges**. Springer, 2016.

Articles

15. Choer Moraes, H. & Kim, J. “Digital Currencies and the Future of the International Monetary System”. *Harvard International Law Journal*. Vol.63. No.2, 2022, p. 528-542.

16. Chukwuma, N. & Ngoc, L. & Mativenga, P. “The US-China trade war: interrogating globalisation of technology”. *Cogent Social Sciences*. Vol. 10. No. 2, 2024, p. 1-39.
17. Howse, R. “The World Trade Organization 20 Years On: Global Governance by Judiciary”. *European Journal of International Law*, Vol.24. No.1, 2013, p. 9-77.
18. Howse, R., & Eliason, A. “The Legality of US Tariffs under the National Security Exception of GATT Article XXI”. *Journal of International Economic Law*, Vol.22. No.2, 2019, p. 199-222.
19. Hua, Sh., & Zeng, K. “The US–China Trade War: Economic Statecraft, Multinational Corporations, and Public Opinion”. *Business and Politics*, Vol.24, 2022, p. 319-331.
20. Mercurio, Bryan, Shaffer, Gregory, & Gao, Henry. “WTO Reform and China: Defining or Defiling the Multilateral Trading System?” *Journal of International Economic Law*, Vol.24. No.2, 2021, 621-639.
21. Puślecki, Z. “The new protectionism between the USA and China and international trade policy amid worldwide geopolitical turbulence”. *Ekonomista*. Issue. 2, 2023, p. 125-151.
22. Qin, Julia Ya. “The Challenge of Interpreting 'WTO-Plus ' Provisions.” *Journal of World Trade*, Vol.127. No.44, 2010, pp. 127-172.
23. Sauvart, K. P. “The Negotiations of the United Nations Code of Conduct on Transnational Corporations: Experience and Lessons Learned”. *The Journal of World Investment & Trade*, Vol.16. No.1, 2015, pp.11-87.
24. Stern, R. “The evolution of trade sanctions in international economic law”. *Journal of International Economic Law*, Vol.18. No.3, 2015, pp. 561-589.
25. Zhang, W. “Sovereign digital currencies and the fragmentation of the international monetary system”. *Harvard International Law Journal*, Vol.63. No.2, 2022, pp. 498-525.

Legislative and Policy Documents

26. European Commission & Government of the People's Republic of China. (2020). Comprehensive Agreement on Investment (CAI) – Draft Text.
27. IMF, Review of the Method of Valuation of the SDR—Final Report, 2016.
28. International Monetary Fund (IMF). (2007–2010). People’s Republic of China: Article IV Consultation Reports (2007, 2008, 2009, 2010). IMF Country Reports No. 07/385, 08/235, 09/262, and 10/238. Washington, D.C.: International Monetary Fund.

29. International Monetary Fund (IMF). Annual Report of the Executive Board for the Financial Year Ended April 30, 1997. Washington, D.C.: International Monetary Fund. 1997.
30. International Monetary Fund (IMF). The Liberalization and Management of Capital Flows: An Institutional View. IMF Policy Paper, November 14, 2012. Washington, D.C.: International Monetary Fund. 2012.
31. Lagarde, C. IMF Adds Chinese Renminbi to SDR Basket: A Historic Milestone. International Monetary Fund. 2015. Available at: <https://www.imf.org/en/News/Articles/2015/09/28/04/53/sdr121515a>
32. UNCTAD. World Investment Report 2021: Investing in sustainable recovery. United Nations Conference on Trade and Development. Retrieved from <https://unctad.org/webflyer/world-investment-report-2021>
33. World Bank & Development Research Center of the State Council, the People's Republic of China. China 2030: Building a Modern, Harmonious, and Creative Society. Washington, D.C.: World Bank. 2013.

Online Sources

34. <https://blogs.law.ox.ac.uk/business-law-blog/blog/2021/09/legality-capital-controls-covid-induced-retreat-financial#:~:text=distinct%20phases> [last visited: 1/4/2025]
35. <https://www.centralbanking.com/central-banks/currency/7860946/chinas-capital-controls-here-to-stay#:~:text=Since%20the%20mid,beginning%20of%20stricter%20capital%20controls> [last visited: 20/3/2025]
36. <https://www.piie.com/commentary/op-eds/why-west-should-welcome-chinese-yuans-inclusion-sdr#:~:text=The%20RMB%20is%20now%20the,for%20International%20Settlements%20in%202013> [last visited: 17/3/2025]
37. Liu, Li-Gang (2015). "Why the West Should Welcome Chinese Yuan's Inclusion into the SDR." Op-ed, Peterson Institute for International Economics (originally in South China Morning Post), June 8, 2015. Available at: <https://www.piie.com/commentary/op-eds/why-west-should-welcome-chinese-yuans-inclusion-sdr> [last visited: 17/3/2025]
38. Ma, Guonan, "Do China's capital controls still bind? Implications for monetary autonomy and capital liberalization", BIS Working Papers, No 233, 2007. Available at: https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1014311
39. <https://www.csis.org/analysis/where-chips-fall-us-export-controls-under-biden-administration-2022-2024>